



University of Tabriz

Iranian Islamic Period History

Online ISSN: 2717-2902

Volume: 16 Issue: 45
winter 2026

Pages: 113-139

Article Type: Research Article

DOI: 10.22034/jiiph.2026.67904.2585

Received: 2025/06/28

Received in revised form: 2026/01/25

Accepted: 2026/02/16

Published: 2026/02/28

An Examination of the English Translation of the *Tārīkh-i Jihāngushāy* of Juwaynī Based on the Translation of Court Terminology

Yazdan Farrokhi¹ | Fatemeh Alizadeh²

Abstract

*Beyond the intrinsic importance of Juwaynī's *Tārīkh-i Jahān-gushā* for understanding the Mongol era and its formative influence on subsequent historiographical traditions, the English translation of this work has played a decisive role in the development of Iranian and Mongol studies. It has significantly shaped the knowledge of non-Iranian, English-speaking scholars regarding this period, and their research has often been influenced by the translator's interpretive choices, with the translation itself frequently serving as a point of reference or scholarly standard for later investigations. A significant portion of the complexities inherent in this text, and, consequently, in its English rendering, concerns the translation of administrative terminology used under Mongol rule. The profound transformations that occurred within the administrative apparatus have consistently posed major challenges for scholars of bureaucratic history, challenges that are magnified for the translator tasked with conveying such terms with precision. Accordingly, the central question of this study is: What strategies did Boyle employ in translating the administrative vocabulary of the period? The findings of this research indicate that the translator adopted three principal strategies when confronted with difficult administrative terms: historical equivalence, descriptive translation, and transliteration. Although Boyle translated most of these terms by employing historically informed English equivalents, linguistic and conceptual constraints led him, in certain instances, to use descriptive, phrase-based renderings or to resort to transliteration accompanied by explanatory footnotes. Ultimately, the study demonstrates that, aside from a small number of exceptional cases, Boyle possessed a generally sound understanding of the administrative lexicon and produced a translation that is both effective and elucidatory.*

Keywords: *English Translation of Juwaynī's *Tārīkh-i Jahān-gushā*, John Andrew Boyle, Administrative Terminology, Transliteration, Equivalence Strategies.*

1. Associate Professor, Department of History, Payame Noor University, Tehran, Iran
(Corresponding Author) y_farrokhi@pnu.ac.ir

2. Master of Science Payam Noor University, Tehran, Iran fatemehalizadeh70@gmail.com



Publisher: University of Tabriz

tabrizu.history2011@gmail.com



بررسی ترجمه انگلیسی تاریخ جهانگشای جوینی

بر اساس ترجمه اصطلاحات دیوانی

یزدان فرخی^۱ | فاطمه علیزاده^۲

چکیده

در کنار اهمیت تاریخ جهانگشای جوینی در شناخت دوره مغول و تأثیر آن در متون پس از خود، می‌توان گفت ترجمه انگلیسی این کتاب در جهان ایران‌شناسی و مغول‌شناسی نقش مهمی در شناخت پژوهشگران غیرایرانی و آشنا به زبان انگلیسی از این دوره داشته و پژوهش‌های ایشان متأثر از شیوه ترجمه محتوای این اثر بوده و یا ملاکی برای ادامه پژوهش‌ها در این زمینه به شمار می‌آمده‌است. بخش مهمی از دشواری‌های این کتاب و لاجرم ترجمه انگلیسی آن، مربوط به ترجمه واژگان اداری دوره حکمرانی مغول‌هاست، زیرا دگرگونی‌های پیش‌آمده در حوزه دستگاه حکمرانی، همواره محققان حوزه دیوان‌سالاری را با چالش بزرگی روبروی کرده که به تبع آن، مترجم اثر نیز دچار چالش بیشتری خواهد شد. لذا پرسش این پژوهش آن است که در ترجمه بویل، چه شیوه‌ای برای بازگردانی واژگان اداری در پیش گرفته شده‌است؟ این پژوهش نشان می‌دهد که مترجم سه شیوه را در مواجهه با واژگان دشوار اداری در پیش گرفته که می‌توان آن را «معادل‌سازی تاریخی»، «ترجمه توصیفی» و سرانجام «ترانویسی» نام نهاد و دسته‌بندی کرد. وی اگرچه بخش بیشتر این واژگان را با معادل‌های تاریخی واژگان به انگلیسی ترجمه کرده اما به دلیل محدودیت‌های زبانی، از دو شیوه ترجمه توصیفی در قالب عبارت و نیز نویسه‌گردانی و توضیح آن در پانویس نیز بهره برده‌است. سرانجام این پژوهش نشان می‌دهد که به‌غیر از چند مورد معدود، وی در بیشتر موارد، درک درستی از واژگان اداری داشته و ترجمه راهگشایی عرضه داشته‌است.

کلیدواژه‌ها: ترجمه انگلیسی جهانگشای جوینی، جان اندرو بویل، واژگان اداری، نویسه‌گردانی، معادل‌گزینی.

y_farrokhi@pnu.ac.ir
fatemehalizadeh70@gmail.com

۱. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه پیام نور تهران، ایران (نویسنده مسئول)
۲. کارشناسی ارشد دانشگاه پیام نور تهران، ایران



مقدمه

۱. طرح مسئله، پرسش و فرضیه

هنگامی علاءالدین عظاملک جوینی (۶۲۳ تا ۶۸۱ق)، به نگارش تاریخ جهانگشا دست زد، چند تجربه بسیار مهم در زندگی خویش از سر گذرانده بود. نخست آنکه خاندان وی از گذشته‌های دور به کارهای دیوانی مشغول بوده و پدرش اندکی پس از مرگ جلال‌الدین خوارزمشاه و دست‌کم از روزگار «چین‌تمور» در خدمت حکومت مغول درآمده و شخص عظاملک نیز به نقل از جهانگشای از سن بیست‌سالگی «به کار تحریر و دیوان اشتغال» داشته (جوینی، ۱۳۸۵: ۱/۶) و در این راه چند بار به مغولستان مسافرت کرده‌است^۱ و دیگر اینکه پس از تصرف بغداد در محرم ۵۶ق به دست هلاکوخان، وی در آن شهر به حکومت رسید و به‌گونه‌ای که وی در تسلیة‌الآخوان، می‌نویسد: «در شهر سنه سبع و خمسين و ستمائه که از میعاد واقعه بغداد یک سال بود تدبیر مصالح و مهمات آن ملک به محرر این احوال تفویض گردانید و دست او در حل و عقد امور و رتق وفتق مصالح جمهور مطلق» (جوینی، ۱۳۶۱: ۶۰). تصدی این مقام برای وی همواره بی‌مشکل نبوده و دسیسه‌های دشمنان موجب زندانی شدن و آزادی وی در سال ۸۱ق یعنی اندکی پیش از مرگش شد (جوینی، ۱۳۶۱؛ نیز نک: Lane, 2012: 63-68). بنابراین تجربه مشاهده عینی تشکیلات اداری و حکمرانی مغول‌ها در مغولستان و ایران، و نیز سابقه و تجربه عملی کار اداری در این تشکیلات به همراه مصائب آن کارها، به دیدگاه و گزارش وی درباره این تشکیلات و دستگاه حکمرانی اهمیت و اعتبار بسیار زیادی داده‌است.

اما حکمرانی مغول بر سرزمین‌های سابق خلافت شرقی که جوینی گزارش آن را به دست داده، دگرگونی‌های قابل‌توجهی را به وجود آورد و به‌ویژه از نظر اداری بسیار قابل‌اعتناست و فهم برخی از جنبه‌های این تحول گسترده، دشوار و همراه با پیچیدگی‌هایی و در گزارش جوینی ظرافت‌های زبانی خاصی است که به‌آسانی قابل‌درک نیست. برای نمونه جان اندرو بویل در یکی از پانوشته‌های خود بر ترجمه جهانگشای جوینی بر این

۱. یکی از این موارد در سال ۵۰ق بود که عظاملک به خدمت منگوقاآن رسیده‌است به این مورد، در مقدمه جهانگشای اشاره شده و البته به‌عنوان بهانه‌ای برای نگاشتن آن کتاب نیز تلقی شده‌است (جوینی، ۱۳۸۵: ۱/۳-۴).

دیدگاه بود که واژه اداری «شحنه» و «باسقاق» و «داروغچی» در جهانگشای جوینی به صورت مترادف و به جای هم به کار رفته است (Juvaini, 1958: 44, n3) اما پژوهش‌های بیشتر نشان داده که جوینی میان هر دو واژه، تفاوت نهاده و برای نام حاکم شهرهایی مانند بخارا و خوارزم که در برابر مغول ایستادگی کردند از واژه «باسقاق» بهره برده و درباره شهرهایی مانند بلخ، رادکان و سرخس که به صورت صلح‌آمیز تسلیم مغول‌ها شده بودند، «شحنه» به کار برده است و ماهیت و اختیارات هر کدام از دو مقام مذکور تفاوت‌ها قابل توجهی داشته‌اند (Ostroweski, 1998: 273).

با عنایت به مطالب یادشده می‌توان گفت که بخشی از دشواری خوانش و تفسیر متن تاریخ جهانگشای و به‌ناچار ترجمه این اثر سترگ به دلیل پدید آمدن دگرگونی‌های نوینی است که در دوره نویسنده بر اثر چیرگی مغول‌ها و دیدگاه‌های ایشان در تشکیلات اداری و حکمرانی ایرانی و اسلامی پدید آمده بود، اما همه این دشواری به آن محدود نمی‌شود، زیرا نویسنده با عنایت به مخاطبان خود (دیوان‌سالاران و حاکمان و اهل فضل و دانش) سبک فاختری را در پیش گرفته که نمونه پیشین آن را در ترجمه تاریخی بمینی و نمونه بعدی آن تجزیه‌الامصار و تزجیه‌الاعصار یا در واقع ذیل جهانگشای جوینی که به تاریخ و صاف هم شهرت دارد، قابل مشاهده است. به گونه‌ای که شیوه نگارش ادبی این اثر که آراسته شده با واژگان و تعبیرات فارسی، عربی، ترکی، مغول و چینی و مشتمل بر نثری فنی و مصنوع است، می‌توان ادبیات فاخر دبیرانه پارسی نام نهاد (موسوی، ۱۳۹۸؛ همچنین: ربیعی، ۱۳۹۳: ۲۱۵-۲۱۷). بنابراین هنگامی که جان اندرو بویل به ترجمه این اثر همت گماشت و با کاری بسیار سخت و راهی ناهموار روبرو بود و البته با انتشار نهایی آن در سال ۱۹۵۸م/۱۳۳۷ش،^۱ زمینه مطالعه این اثر را برای طیف گسترده‌ای از پژوهشگران غیرفارسی‌زبان

۱. بویل (۱۹۱۶ تا ۱۹۷۸م/۱۲۹۵ تا ۱۳۵۷ش)، شرق‌شناس بریتانیایی کار مطالعه و ترجمه تاریخ جهانگشای جوینی را در دهه چهل سده بیستم میلادی آغاز کرد و ترجمه و شرح آن را (برپایه چاپ انتقادی محمد قزوینی) به‌عنوان رساله دکترای تخصصی خود زیر نظر ولادیمیر مینورسکی انجام داد. او این کار را در سال ۱۳۲۶/۱۹۴۷ش به پایان رساند و سرانجام پس از تکمیل و اصلاح نهایی، آن را در سال ۱۳۳۷/۱۹۵۸ش در دانشگاه منچستر و در دو جلد به چاپ رسانید. مهارت و تسلط او به زبان فارسی منجر به آثاری دیگری از جمله نگارش کتابی با عنوان دستور زبان فارسی نوین در سال ۱۳۴۵/۱۹۶۶ش و ترجمه انگلیسی الهی‌نامه عطار نیشابوری در سال ۱۳۵۶/۱۹۷۷ش نیز شده است (Jackson, 2016: Vol. IV, 420-421; نیز نک: بیلگین، ۱۳۹۳: ۳۷-۶۳۸). گویا ترجمه الهی‌نامه عطار، آخرین اثر منتشرشده وی محسوب شده است (Juvaini, 1997: xvii)، اما در واقع این کار، واپسین کار انجام‌شده او نبود، زیرا ترجمه بخش حکومت هلاکوخان را از جامع‌التواریخ به انتها رسانده اما ظاهراً مجالی برای انتشار نیافته است (Juvaini, 1997: xix).

تاریخ ایران، اسلام و مغول^۱ تا اندازه قابل‌اعتنایی هموار کرد^۲.

لذا با عنایت به این مقدمات، دست‌کم روشن می‌شود که بخش قابل‌توجهی از دشواری‌های ترجمه موردبررسی، در ترجمه واژگان و اصطلاحات «اداری» معمول در روزگار مغول بوده‌است. گره‌گشایی از این واژگان تا آنجاست که چند دهه پیش، شمیس شریک امین در کوششی ارزنده در فراهم آوردن فرهنگی برای اصلاحات اداری دوره مغول، جدای از برخی واژگان که معنایی مناقشه‌برانگیز دارند، فهرستی عرضه می‌دارد که هیچ معنایی برای آن نیافته و درواقع آن‌ها را «واژگان ناشناخته» در میان اصطلاحات اداری آن دوره خوانده‌است (شریک امین، ۱۳۵۷: ۲۷۲-۲۷۳). در نتیجه این پژوهش در پی پاسخ‌گویی به این پرسش است که در ترجمه انگلیسی بویل چه شیوه‌ای برای بازگردانی «واژگان اداری» در پیش گرفته شده‌است؟

با دقت و تأمل در متن تاریخ جهانگشا در وهله نخست چنین می‌نماید که بویل نظر به استعداد و خصیصه‌های زبان انگلیسی روزگار خویش برای معادل‌گزینی واژگان متداول در آن دوره از تاریخ ایران، می‌توان گفت مترجم به ترجمه همه این واژگان رهنمون نشده و دو شیوه «نویسه‌گردانی صرف» واژگان و ترجمه کردن اصطلاحات یادشده در قالب عبارت و جمله، در کنار «معادل‌گزینی» واژگان یادشده را برای ترجمه این موارد به کار گرفته‌است.

۲. پیشینه تحقیق

پس از انتشار ترجمه جهانگشای جوینی شماری از پژوهشگران سرشناس در حوزه تاریخ مغول به ابراز نظر در این زمینه پرداختند و روی هم‌رفته ضمن اعلام اینکه ترجمه‌ای ارزشمند و کاری بزرگ برای مطالعات تاریخ ایران و اسلام و مغول فراهم شده، ترجمه

۱. برای نمونه در یادداشتی که لیندا. تی. دارلینگ استاد دانشگاه آریزونا در یکی از گزارش‌های نشریه خبری نوشته، به‌صراحت از تأثیر و جایگاه این ترجمه در «رشد چشمگیر» پژوهش‌های انجام‌شده درباره تاریخ مغول و ایران و اسلام در سده هفتم قمری سخن به میان می‌آورد (Darling, 2000: 153).

۲. به‌هرحال خوانش متن فارسی این اثر برای فارسی‌زبانان غیرحرفه‌ای نیز بسیار دشوار است و به همین منظور برای طیفی از پژوهشگران و خوانندگان «تحریری نوین» برای این اثر فراهم شده است (ثروت، ۱۳۶۲) و این جدا از آناری است که به شرح مشکلات آن برای خوانندگان متن فارسی می‌پردازند و کتاب شرح مشکلات تاریخ جهانگشای جوینی نمونه مشهوری در این زمینه است (خاتمی، ۱۳۷۳).

مذکور را قابل‌اعتماد و دقیق ارزیابی کرده‌اند (برای نمونه: Blachère, 1959:103-104; Bruun, 1958; Togan, 1962: 618-619). با این حال برخی مانند اتو اشپیس، به سهوهای جزئی در بازگردانی واژگان توجه کرده و البته تنها به یک مورد اشتباه در مورد به کار بردن واژه «بازیگر» به جای «عروسک‌گردان» و «تصویر» به جای «عروسک» درجایی از متن بسنده کرده‌است (Spies, 1959: 153). برخی هم از جمله کارل یان، ضمن ارج نهادن به ارزش کار، به ضعف ترجمه در زمینه آوانگاری^۱ اسامی تأکید کرده‌است (Jahn, 1959: 77-78). در ایران نیز نقد و نظری درباره این ترجمه، در دست است که عمده مطالب آن مصروف بیان اهمیت این ترجمه و درنهایت اظهار این دیدگاه کلی شده که ترجمه یادشده «به نحو کامل و در نهایت دقت انجام شده‌است» (فرمانفرمایان، ۱۳۳۷: ۹۰). سرانجام باید به اظهارنظر دیوید مورگان در مقدمه‌ای که بر چاپ جدید جهانگشای جوینی جان اندرو بویل نوشته‌است، توجه کرد که در عبارتی موجز و در پایان مقدمه خود بر این باور است که پژوهشگران حوزه مغول‌شناسی، حتی آنانی که فارسی می‌دانند، همچنان نیازمند مراجعه به ترجمه راهگشای جان اندرو بویل هستند و آن را ترجمه‌ای معتبر به شمار آورده‌است (Juvaini, 1997:xxvi).

۳. تعاریف و مفاهیم

در این پژوهش و به منظور انجام کار و شناسایی اصطلاحات مورد‌ارزیابی، ضروری است که چند واژه تعریف شود:

۱. اصطلاح اداری^۲: در این پژوهش به مجموعه واژگان مصطلح و رایج در دستگاه حکمرانی اطلاق می‌شود که به منظور اداره امور از سوی حکومت به کار گرفته شده تا قواعد، مقررات و رویه‌های مدنظر خویش را در بخش‌های دیوانی، نظامی، اردو یا دربار بیان کند و دربرگیرنده مناصب مختلف دیوانی، نظامی، اصطلاحات رایج مالیاتی و غیره می‌شود.

۲. معادل‌گزینی تاریخی واژگان^۳: معادل‌گزینی تاریخی روشی در ترجمه است که در آن اصطلاحات، نهادها یا مفاهیم متعلق به یک بافت تاریخی-فرهنگی خاص (مثل ایران

1. Transcription
2. Administrative Terminology
3. Historical Equivalence

دوره مغول) با نهادها/ مفاهیم هم‌کارکرد شناخته‌شده در تاریخ غرب جایگزین می‌شوند تا برای مخاطب امروزی قابل‌درک باشند. این روش براساس تشابه نقش و عملکرد (نه لزوماً ساختار) عمل می‌کند. به‌عنوان مثال، «دیوان استیفا» در نظام اداری اسلامی-ایرانی ممکن است به «Exchequer» (نهاد مالی انگلستان قرون‌وسطی) ترجمه شود، زیرا که هر دو مسئول نظارت بر امور مالیاتی بودند. با این حال، این روش نیازمند احتیاط است، زیرا ممکن است تفاوت‌های ظریف فرهنگی را نادیده بگیرد. برای افزایش دقت، معمولاً همراه با توضیح مختصری درباره محدودیت‌های این تطابق ارائه می‌شود.

۳. ترجمه توصیفی واژگان^۱: شیوه‌ای از ترجمه است که در آن با حفظ محتوای اصلی، مفهوم یا کارکرد اصطلاحات تخصصی (به‌ویژه در متون تاریخی و اداری) به زبانی روشن و امروزی بازگردانی می‌شود، بی‌آنکه به ساختار لغوی یا ترتیب واژگان متن مبدأ پایبند باشد. این روش با هدف انتقال شفاف معنا به مخاطبان غیرمتخصص، از بازتولید ابهامات فرهنگی اجتناب می‌کند و نیاز به حاشیه‌نویسی را کاهش می‌دهد. برای نمونه، اصطلاح «دیوان استیفا» در این روش ممکن است به «Central Financial Administration» ترجمه شود تا کارکرد اصلی آن (مدیریت امور مالی حکومتی) بدون اتکا به پیش‌زمینه تاریخی مخاطب، قابل‌درک گردد. ترجمه توصیفی معمولاً در کنار ترانویسی یا معادل‌گزینی تاریخی به کار می‌رود تا هم اصالت مفهوم حفظ شود و هم خوانایی افزایش یابد.

۴. ترانویسی یا نویسه‌گردانی واژگان^۲: فرایندی است که در آن واژگان یا اصطلاحات از یک نظام نوشتاری (مانند فارسی یا عربی) به نظام نوشتاری دیگری (مانند لاتین) با رعایت قواعد آوایی و نگارشی استاندارد منتقل می‌شوند، بدون آنکه معنای واژه تغییر کند. این روش عمدتاً برای حفظ اصالت تلفظ و هویت زبانی اصطلاحات تخصصی (مانند نام‌های تاریخی، نهادهای اداری، یا مفاهیم فرهنگی) به کار می‌رود و در متون دانشگاهی شرق‌شناسی کاربرد گسترده‌ای دارد. برای مثال، واژه «دیوان» به صورت

1. Descriptive Translation
2. Transliteration

«Divān» ترانویسی می‌شود تا هم تلفظ صحیح آن (با کشیدگی آوای «ا») ثبت گردد و هم از اشتباهات ناشی از معادل‌گزینی‌های نادقیق جلوگیری شود. ترانویسی معمولاً با علامت‌گذاری‌های آواشناختی (مانند خط تیره یا آکسان) همراه است تا تلفظ را برای مخاطبان غیربومی شفاف کند. از نمونه دستگاه‌های ترانویسی می‌توان به شیوه مورد استفاده دانشنامه ایرانیکا^۱ اشاره کرد.

۵. معیار ارزیابی دقت و درستی ترجمه: در این پژوهش، ارزیابی «درستی» درک و ترجمه بویل از اصطلاحات اداری براساس دو محور اصلی و به‌هم‌پیوسته صورت گرفته‌است: نخست، انطباق با سیاق متن تاریخ جهانگشا و معنایی که این اصطلاحات در بافت تاریخی-اداری دوره مؤلف (قرن هفتم هجری) داشته‌اند. این محور، وفاداری ترجمه به‌منظور اصلی جویی را می‌سنجد. دوم، سنجش آن با دستاوردها و تفاسیر پژوهش‌های تاریخی معاصر در حوزه دیوان‌سالاری مغول است. این محور، میزان همخوانی ترجمه بویل با دانش کنونی را ارزیابی می‌کند. بر این اساس، زمانی یک ترجمه «درست» ارزیابی شده که در چارچوب دانش زمانه بویل (با در نظر گرفتن محدودیت‌های منابع و پژوهش‌های آن دوره) بتواند به تصویری روشن و منطبق با متن اصلی از نهاد موردنظر بینجامد و در مواردی که اختلاف نظر پژوهشی جدیدی وجود دارد، با استناد به آن منابع، دقت یا عدم دقت انتخاب وی مشخص گردد.

۴. چارچوب نظری

به‌منظور ارائه درک عمیق‌تر تحلیل روش‌های ترجمه و واکاوی پیامدهای انتخاب‌های بویل، این مقاله از چارچوب نظری تلفیقی بهره خواهد گرفت. به همین منظور، از نظریه ارتباطی پیتر نیومارک، مفهوم «معادل‌سازی فرهنگی»^۲ اخذ می‌شود که در آن مترجم سعی می‌کند تأثیر متن بر خواننده مقصد را هم‌تراز با تأثیر متن اصلی بر خواننده مبدأ سازد (Newmark, 1988). این مفهوم کمک می‌کند تا انتخاب معادل‌هایی مانند «Chamberlain» برای «حاجب» یا «fief» برای «اقطاع» را نه صرفاً به‌عنوان

1. Encyclopedia Iranica
2. Cultural Equivalence

جایگزین‌های لغوی، بلکه به‌مثابه اقداماتی آگاهانه برای برقراری ارتباط با مخاطبی که پیش‌زمینه تاریخی متفاوتی دارد، در نظر گرفته شود. در سطحی کلان‌تر، از رویکرد فرهنگ‌مدارِ باسنت و لفور بهره برده می‌شود که ترجمه را نه انتقالی بی‌طرف، بلکه بازنویسی متأثر از ایدئولوژی، قدرت و گفتمان زمانه مترجم می‌داند (Bassnett & Lefevere, 1990). این رویکرد این امکان را فراهم می‌آورد تا پروژه ترجمه بویل در بافت تاریخ‌نگاری شرق‌شناسی میانه قرن بیستم قرار داده و بررسی شود که مجموعه انتخاب‌های مترجم (بین نویسه‌گردانی حافظ «غیریت» و معادل‌سازی ایجادکننده «آشنایی») چه تصویر کلی از امپراتوری مغول به‌عنوان یک سازه اداری-فرهنگی برای جامعه علمی انگلیسی‌زبان می‌سازد و چگونه ممکن است «تاریخ‌پذیری»^۱ فهم خود بویل از مفاهیمی مانند «دیوان» یا «یاسا» در این فرایند تأثیر گذاشته باشد.

۵. یافته‌ها

پس از مطالعه و خوانش ترجمه جهانگشای جوینی و استخراج واژگان اداری^۲ با مفهوم مفروض این مقاله، دستاورد کار به شرح جدول‌های زیر حاصل شده‌است:

جدول ۱. معادل‌گزینی تاریخی واژگان

ارجاع	معنی واژه	ترجمه انگلیسی	اصطلاح فارسی	ردیف
فارسی، ج ۳، ص ۲۱۴؛ انگلیسی، ص ۶۸۲	مقرری / مستمری	Pension	ادرار (Edrār)	۱
فارسی، ج ۱، ص ۷؛ انگلیسی، ص ۲۲/۲۳/۵۹۴	خلف یک جد معین و شناخته‌شده مخصوصاً خلف چنگیزخان	Descendant/ Posterity/ Lineage	اروغ (Orūg)	۲
فارسی، ج ۱، ص ۳۰؛ انگلیسی، ص ۳۰	زمین یا سرزمینی که به اشخاص یا مناصب بخشیده می‌شد.	Fief	اقطاع (Eqṭā')	۳
فارسی، ج ۱، ص ۲۱۳؛ انگلیسی، ص ۲۵۸	پیغام مکتوب، نامه و عنوان	Messages	الوک (Ālūk)	۴
فارسی، ج ۲، ص ۱۵۹؛ انگلیسی، ص ۳۶۴	علم‌ها و نشانه‌های لشکر	Banners	آلویه (Alveya)	۵

1. Historicity

۲. نویسه‌گردانی واژگان در جدول‌ها، در ستون اول براساس شیوه دانشنامه ایرانیکا (Encyclopedia Iranica) تنظیم شده. ستون دوم مربوط به ترجمه انگلیسی تاریخ جهانگشای جان اندرو بویل است که در آن از شیوه دانشگاه کمبریج بهره برده‌است.

۶	أمثله (Amsaleh)	Messages	فرمان‌ها، جمع مثال	فارسی، ج ۱، ص ۱۸؛ انگلیسی، ص ۲۵
۷	اولاغ (Ūlāg)	Provision of Mount/Post Horse	اسب چاپار/ حقوق و عوارضی که برای پیک‌ها می‌گرفتند.	فارسی، ج ۱، ص ۲۲؛ انگلیسی، ص ۳۰ و پاورقی ص ۳۰
۸	ایلی (Īlī)	Accepted Submission	فرمان برداری، مرکب از ایل که واژه ترکی است و به معنی مطیع.	فارسی، ج ۱، ص ۶۳؛ انگلیسی، ص ۸۲
۹	ایلچی (Īlčī)	Messenger	سفیر و پیام‌رسان	فارسی، ج ۱، ص ۳۶؛ انگلیسی، ص ۵۰
۱۰	بارگاه (Bārgāh)	Court	خیمه پادشاهان و سلاطین	فارسی، ج ۱، ص ۲۷؛ انگلیسی، ص ۲۱۶
۱۱	برات (Barāt)	Draft	حواله کتبی / مواجب اشخاص	فارسی، ج ۱، ص ۱۷۱؛ انگلیسی، ص ۶۰۳
۱۲	بیتکچی (Bītīkčī)	Scribe	محاسب، حسابر، منشی جمع و خرج/ دبیر دیوانی، نویسنده	فارسی، ج ۱، ص ۳۴؛ انگلیسی، ص ۴۸ پاورقی ۱
۱۳	پروانه (Parvāna)	Warrant	اجازه، حکم، فرمان، حکم نامه، برات	فارسی، ج ۳، ص ۱۰۸؛ انگلیسی، ص ۶۱۹
۱۴	ترکات (Tarekāṭ)	Inheritance Taxes	مالیات اسلامی بود که از اموال متوفی اخذ می‌شد.	فارسی، ج ۱، ص ۲۵؛ انگلیسی، ص ۳۴
۱۵	توقيع (Tawqīʿ)	Signature	امضا، شاهی، نشان حکم باشد و علامت نشان‌ها	فارسی، ج ۲، ص ۸۵؛ انگلیسی، ص ۱۵۴
۱۶	جرايات (Jarāyāt)	Pay	جمع جرایه، مقرری‌های روزانه	فارسی، ج ۱، ص ۲۳؛ انگلیسی، ص ۳۲
۱۷	چاوش (Čavoš)	Herald	پیشرو لشکر، منادی سپاه	فارسی، ج ۱، ص ۹۴؛ انگلیسی، ص ۱۲۱
۱۸	چوک زدن (Čuk Zadan)	Knelt Down	زانو زدن و احترام گذاشتن	فارسی، ج ۲، ص ۲۱۰؛ انگلیسی، ص ۴۹۸
۱۹	حاجب (Hājeb)	Chamberlain	پرده‌دار	فارسی، ج ۱، ص ۷۶؛ انگلیسی، ص ۲۹۴
۲۰	حکم (Hokm)	Decree	واژه مشهور، فرمان و دستور	فارسی، ج ۳، ص ۲۴۳؛ انگلیسی، ص ۶۹۹
۲۱	حمل (Heml)	Baggage	چیزی از محصول عایدات کشور که برای حاکم یا پادشاه می‌فرستند.	فارسی، ج ۱، ص ۱۵۵؛ انگلیسی، ص ۳۲۳
۲۲	خواتین (Kawātīn)	Royal Ladies	زن اصیل، ملکه ترک، بانوان عالی‌نسب و خانم‌ها	فارسی، ج ۱، ص ۱۹؛ انگلیسی، ص ۲۷
۲۳	خواستہ (Kāsta)	Demand/ Wealth	زر و مال / باج و خراج	فارسی، ج ۲، ص ۲۱؛ انگلیسی، ص ۲۹۳/۲۱
۲۴	دخل (Daql)	Income	وجهی که در نتیجه کار و شغل به دست آورند.	فارسی، ج ۱، ص ۴۸؛ انگلیسی، ص ۳۰

۲۵	دارالملک (Dār (Al-Molk)	Capital	پایتخت و محل اقامت پادشاه	فارسی، ج ۲، ص ۳۹۶؛ انگلیسی، ص ۲۸۳
۲۶	رسول‌خانه (Rasūl-) (Kāna)	Hostel	محل استراحت پیک‌ها و ایلچی‌ها	فارسی، ج ۱، ص ۱۹۱؛ انگلیسی، ص ۲۳۵
۲۷	زرادخانه (Zarrād-) (Kāna)	Arsenals	اسلحه‌خانه، قورخانه	فارسی، ج ۲، ص ۱۵۰؛ انگلیسی، ص ۲۲۴
۲۸	ستوردار (Soturdār)	Groom	مسئول نگهداری از اسب‌ها و حیوانات سپاهی	فارسی، ج ۱، ص ۲۷؛ انگلیسی، ص ۹۲
۲۹	سریات (Sarrīyāt)	Concubines	کنیزکانی که برای جمع و تمتع باشند.	فارسی، ج ۱، ص ۱۹؛ انگلیسی، ص ۲۷
۳۰	سگ‌بان (Sagbān)	Dog Keeper	مسئول مراقبت و پرورش سگ‌ها	فارسی، ج ۱، ص ۱۸۷؛ انگلیسی، ص ۲۳۱
۳۱	سلاح‌دار (Selāhdār)	Sword-Bearer	در اصل نگه‌دارنده سلاح فرمانروایان و در مواردی فرماندهان بلندپایه	فارسی، ج ۱، ص ۱۷۲؛ انگلیسی، ص ۴۹۸
۳۲	سیورغامیشی (Sīurgāmīši)	Granted	لطف کردن، کسی را مورد مرحمت قرار دادن	فارسی، ج ۱، ص ۳۳؛ انگلیسی، ص ۹۴
۳۳	شتربان (Šotor-) (Bān)	Camel Driver	افرادی که از شترها مراقبت می‌کردند.	فارسی، ج ۲، ص ۲۵۵؛ انگلیسی، ص ۷
۳۴	شیکره‌دار (Šekara-) (Dār)	Falconer	کسانی که به نگهداری و تربیت حیوانات شکاری مشغول بودند.	فارسی، ج ۲، ص ۴۴؛ انگلیسی، ص ۳۱۳
۳۵	صاحب طرف (Šāheb-Ṭaraf)	Local Ruler	مرزبانان، سرحدداران	فارسی، ج ۱، ص ۱۷؛ انگلیسی، ص ۳۷۴
۳۶	طشت‌دار (Ṭašt-) (Dār)	Basin-Holder	نگهبان و متصدی طشت‌خانه	فارسی، ج ۲، ص ۲؛ انگلیسی، ص ۲۷۸
۳۷	طرقاق (Ṭorqāq)	Guards	نگهبان روز، نگهبان	فارسی، ج ۱، ص ۱۸۲؛ انگلیسی، ص ۲۶۶
۳۸	طلایه (Ṭalāya)	Vanguard	جلودار	فارسی، ج ۱، ص ۸۰؛ انگلیسی، ص ۸۱
۳۹	طوامیر (Ṭavāmīr)	Rolls	جمع طومار، نامه‌ها	فارسی، ج ۱، ص ۱۷؛ انگلیسی، ص ۲۵
۴۰	طوی (Ṭoy)	Banquet	جشن، مهمانی	فارسی، ج ۲، ص ۲۲۲؛ انگلیسی، ص ۳۹
۴۱	عامل (ʿāmel)	Official	کارگزار دولتی	فارسی، ج ۲، ص ۵۸؛ انگلیسی، ص ۳۲۵
۴۲	علوفه (ʿOlūfa)	ʿUlūfa	نوعی مالیات مرسوم	فارسی، ج ۳، ص ۷۶؛ انگلیسی، ص ۵۹۹
۴۳	عوارضات (ʿAvārež)	Occasional Taxes	مالیات مشهور	فارسی، ج ۲، ص ۲۷۵؛ انگلیسی، ص ۱۶
۴۴	قاضی (Qāzī)	Cadi	کسی که به اختلاف شرعی و ملکی مردم رسیدگی می‌کند.	فارسی، ج ۲، ص ۴۹؛ انگلیسی، ص ۱۲۰

۴۵	قاضی‌القضات Qāzī Al- (Quzāt)	Chief Cadi	رئیس قاضیان، قاضی اعظم	فارسی، ج ۲، ص ۷۰؛ انگلیسی، ص ۳۳۷
۴۶	قائم‌مقام Qā'em- (Maqām)	Deputy	نفت مشهور	فارسی، ج ۲، ص ۳۷؛ انگلیسی، ص ۳۰۵
۴۷	قراول (Qarāvōl)	Vanguard	پاسدار، محافظ و پیشرو سپاه	فارسی، ج ۲، ص ۱۳۶؛ انگلیسی، ص ۴۰۵
۴۸	قرشی (Qaršī)	Palace	قصر خان مغول	فارسی، ج ۱، ص ۱۷۵؛ انگلیسی، ص ۲۱۹ پاورقی
۴۹	قرقچی (Qoroqčī)	Posted Guard	پاسدار چیزی که حرمت دارد/ محافظ	فارسی، ج ۱، ص ۵۹؛ انگلیسی، ص ۷۸
۵۰	قلاووز (Qolāvōz)	Guide	در زبان ترکی به معنای راهنما	فارسی، ج ۲، ص ۱۱۴؛ انگلیسی، ص ۱۴۴
۵۱	قوریغ (Qūrīg)	Forbidden Graze	محصور کردن، محافظت کردن ناحیه ممنوع‌شده	فارسی، ج ۲، ص ۹۳؛ انگلیسی، ص ۶۰۹
۵۲	کلاه‌دار (Kolāh- Dār)	Turban-Wearer	نفت مشهور	فارسی، ج ۳، ص ۵؛ انگلیسی، ص ۵۵۰
۵۳	گله‌بان (Galla- Bān)	Herdsmen	چوپانان	فارسی، ج ۱، ص ۱۶۵؛ انگلیسی، ص ۴۹۱
۵۴	لشکر بیرونی (Laškar-E Bīrūnī)	Auxiliary Army	لشکری که در خارج از خوارزم بود.	فارسی، ج ۱، ص ۶۴؛ انگلیسی، ص ۸۲
۵۵	مال قاراری (Māl-E Qarārī)	Fixed Taxes	مالیات مقرر	فارسی، ج ۱، ص ۷۹؛ انگلیسی، ص ۱۰۲
۵۶	محاسب (Moḥāseb)	Accountant	نفت مشهور	فارسی، ج ۲، ص ۲۳؛ انگلیسی، ص ۳۳
۵۷	محتشم (Moḥtašam)	Governor	نفت مشهور	فارسی، ج ۱، ص ۲۰۵؛ انگلیسی، ص ۶۱۹
۵۸	محصل (Moḥašsel)	Tax-Gatherer/ Tax-Collector	مأمور وصول مالیات و هر وجه دیگر	فارسی، ج ۱، ص ۲۱۹؛ انگلیسی، ص ۵۱۶/۳۹۳
۵۹	مخیم (Moxayyam)	Encampment	اردو و لشکرگاه	فارسی، ج ۱، ص ۱۵۷؛ انگلیسی، ص ۱۱۸
۶۰	مستوفی (Mostowfī)	Accountant	محاسب عواید مالیاتی	فارسی، ج ۱، ص ۱۶۰؛ انگلیسی، ص ۲۰۲
۶۱	مشرف (Mošref)	Inspector	مأمور رسیدگی به حسابها و دخل و خرج	فارسی، ج ۱، ص ۱۶۰؛ انگلیسی، ص ۲۰۲
۶۲	مواضعه (Movāze'a)	Tribute	آنچه از طرف شخص یا گروهی به رسم باج یا مالیات تعهد پرداخت آن به دولت یا پادشاهی بشود.	فارسی، ج ۲، ص ۲۲؛ انگلیسی، ص ۲۵۶

۶۳	مواب (Mavākeb)	Forces	گروه‌هایی از سواره یا پیاده	فارسی، ج ۱، ص ۹۱؛ انگلیسی، ص ۹۹
۶۴	مؤن (Mo'n)	Contribution	مشارکت و همکاری در کارهای عمومی و نوعی عوارض و مالیات	فارسی، ج ۱، ص ۲۲؛ انگلیسی، ص ۳۰
۶۵	نواب (Nowvāb)	Clerks	کارگزاران، گماشتگان	فارسی، ج ۱، ص ۲۳؛ انگلیسی، ص ۳۱
۶۶	نفاط (Naffāt)	Naphtha-Throwers	گروهی از سپاهیان	فارسی، ج ۲، ص ۱۸۱؛ انگلیسی، ص ۴۸۶
۶۷	وفاق (Vešāq)	Attendance	خدمتکار و غلام ساده	فارسی، ج ۲، ص ۱۸۵؛ انگلیسی، ص ۴۵۴
۶۸	وکیل خرج (Vakīl-E Karaj)	Steward	ناظر خرج	فارسی، ج ۲، ص ۲۳۹؛ انگلیسی، ص ۵۰۲
۶۹	یزک (Yazak)	Patrol	مقدمه لشکر، فرمانده قسمت‌های مختلف	فارسی، ج ۱، ص ۵۲؛ انگلیسی، ص ۱۰۵
۷۰	یاغی (Yāgi)	Rebellion	طاغی، دشمن متخاصم	فارسی، ج ۱، ص ۴۲؛ انگلیسی، ص ۴۵
۷۱	یام (Yām)	Post Stations	چاپارخانه، ایستگاهی که در آن اسبان خسته را با اسبان تازه‌نفس عوض می‌کردند.	فارسی، ج ۱، ص ۲۲؛ انگلیسی، ص ۳۰

در این بخش، مترجم از ظرفیت تاریخی زبان انگلیسی برای انتقال واژگان تخصصی تشکیلات اداری دوره مغول بهره برده و تلاش کرده مفهوم تاریخی آن واژگان را نیز در نظر بگیرد. می‌توان گفت به‌راستی دشوارترین کار در ترجمه تاریخ جهانگشای جوینی مربوط به این بخش و این رویکرد وی در ترجمه واژگان اداری است. مترجم ناگزیر از معادل‌گزینی تاریخی بوده‌است. برخی از این واژگان خیلی مناسب و درست بر جای خود نشسته‌اند مانند «Chamberlain» به‌جای «حاجب»، «Accountant» به‌جای «محاسب»، «Inspector» به‌جای «مشرف» که به دلیل تشابهات فضای تاریخی پیرامون هر دو زبان تطابق زیادی میان آن‌ها دیده می‌شود، اما ناگفته پیداست که برخی واژگان در ادبیات دیوان‌سالاری ایرانی تنها یک معنی محدود نداشته و پیوسته در موقعیت‌های گوناگون تاریخی، شرح وظایف متفاوتی به خود گرفته‌اند، از این رو با در نظر گرفتن این نکته که مخاطب ترجمه جهانگشای جوینی پژوهشگران متخصص تاریخ ایران و تاریخ مغول هستند، باید به لزوم مراجعه تطبیقی متن انگلیسی یا متن فارسی و پژوهش‌های حاشیه و توجه به نکته‌های متنی و غیرمتنی این دسته از واژگان توجه ویژه‌ای مبذول کرد.

واژه «سلاح‌دار» نمونه‌ای از موارد یادشده است که در ظاهراً و اصل واژه به معنای نگه‌دارنده «سلاح» فرمانروایان اعم از خلفا و سلاطین بوده و در واقع منصبی «غیرنظامی» بوده است اما در عین حال مقامات نظامی هم در دوره مغول و به‌ویژه جهانگشای جوینی این لقب را بر خود داشته‌اند اما لزوماً به آن منصب نمی‌پرداختند (نک: جلیلی، ۱۳۹۹: ۸۶-۸۷). از این رو مترجم در گزینش معادل تاریخی به‌راستی کار دشواری در پیش داشته است، به‌ویژه اینکه مجبور بوده است از واژه «Sword-Bearers» یا «شمشیردار» بهره ببرد که تنها به یکی از «سلاح»‌ها اشاره دارد.

برخی معادل‌های تاریخی مانند «Baggage» به‌جای «جمل» نیز محل گفتگوست، زیرا در مورد مذکور در جهانگشای، فراتر از معنای ظاهری و عمومی بار و بُنه است (نک: دهخدا، ۱۳۷۵، ذیل واژه «حمل») و در اصل در اینجا مراد نوعی مالیات و پرداخت (اعم از نقدی و غیر نقدی) به فرمانروای بزرگ‌تر از سوی حاکمان محلی بوده است (نک: جوینی، ۱۳۸۵: ۱/۱۵۵).

با این انتخاب‌ها در چارچوب معادل‌سازی فرهنگی نیومارک، می‌توان چنین تفسیری را در میان آورد که بویل با برگزیدن مفاهیمی آشنا برای خواننده غربی مانند «Fief» یا «Pension»، در پی کاهش غرابت دستگاه اداری مغول و افزایش قابلیت درک آن بوده است. این استراتژی، اگرچه ارتباط را تسهیل می‌کند، اما همان‌گونه که نیومارک هشدار می‌دهد، خطر تحریف تاریخی و پوشاندن تفاوت‌های ماهوی نهادها را نیز به همراه دارد.

جدول ۲. ترجمه توصیفی واژگان

ردیف	اصطلاح فارسی	عبارت انگلیسی	معنی واژه	ارجاع
۱	اخراجات (Exrājāt)	Maintenance of Traveler	مالیات فوق‌العاده غیرمستمر و اتفاقی / مخارج و هزینه	فارسی، ج ۱، ص ۲۲؛ انگلیسی، ص ۳۰
۲	اقطاع / اقطاع (Eqṭā')	Allotments of Land	بخشیدن ملک یا قطعه زمینی به کسی تا از درآمد آن زندگی کند.	فارسی، ج ۱، ص ۲۳؛ انگلیسی، ص ۳۰
۳	آقا و اینی (Āqā Va Īnī)	The Elder And Young Brothers	برادر بزرگ و کوچک	فارسی، ج ۳، ص ۲۰؛ انگلیسی، ص ۲۶۶ پاورقی
۴	الغ بیتیکچی (Uluḡ) (Bītikčī)	Chief Bitikchi or Secretary	محاسب بزرگ، حسابرس بزرگ	فارسی، ج ۲، ص ۲۴۶؛ انگلیسی، ص ۵۰۷ پاورقی

۵	آل تمغا (Āl Tamgā)	Vermilion Seal Attached By the Mongols to Their Documents	مهر سرخ که پادشاهان بر فرمان‌ها می‌زدند	فارسی، ج ۱، ص ۱۱۷؛ انگلیسی، ص ۱۴۵ پاورقی
۶	آلش ایدی / الوش ایدی (Uluš Īdī)	The Lord of the Ulus	دارنده و مالک کشور یا سرزمین، پادشاه	فارسی، ج ۱، ص ۶۶؛ انگلیسی، ص ۸۶
۷	امیر تومان (Amīr-E Tūmān)	Commander of Tumen/ Commander of Thousand	لغت مشهور	فارسی، ج ۱، ص ۲۳؛ انگلیسی، ص ۳۱
۸	امیر جیوش / امیرالجیوش (Amīr-E Jayūš)	Commander In Chief / Commanders of Armies	امیر و سردار سپاهیان	فارسی، ج ۱، ص ۱۹؛ انگلیسی، ص ۶۶۸/۲۷
۹	امیران هزاره، صده، ده (Amīr-E Hezāra,) (Ṣada, Daha)	Commanders of Thousands, Hundreds, Ten	فرمانده هزار / صد / ده نفر سپاهی	فارسی، ج ۱، ص ۶۲؛ انگلیسی، ص ۲۸
۱۰	اروغ (Orūg)	Race And Lineage	نژاد و خاندان	فارسی، ج ۳، ص ۶۸؛ انگلیسی، ص ۵۹۴
۱۱	اولاغچی (Ūlāgčī)	The Main In Charge of Post Horses	مأمور دولتی مسئول تهیه و نگهداری اسبان و چارپایان حکومتی	فارسی، ج ۱، ص ۲۲۳؛ انگلیسی، ص ۲۶۸ پاورقی
۱۲	ایدی قوت (Īdī Qūt)	Lord of Fortune	لقب ایغورها بر فرمانروای خود به معنی خداوند دولت	فارسی، ج ۱، ص ۳۲؛ انگلیسی، ص ۴۴
۱۳	باورچی (Bāvarčī)	Overseer of Food and Drink	آشپز، طبّاخ، شراب‌دار	فارسی، ج ۳، ص ۹۵؛ انگلیسی، ص ۵
۱۴	بالش (Bāliš)	Ingot of Silver or Gold	شمش طلا و نقره	فارسی، ج ۱، ص ۱۶؛ انگلیسی، ص ۲۳ پاورقی
۱۵	پادشاه الوس (Pādešāh-E Ulus)	Lord of Ulus	به قسمتی از حکومت و کشور و امپراتوری الوس گفته می‌شود.	فارسی، ج ۱، ص ۳۹؛ انگلیسی، ص ۴۴ پاورقی
۱۶	پادشاه نوروزی (Pādešāh-E Nowrūzī)	Nauruz King (King for a Day)	لغت مشهور	فارسی، ج ۱، ص ۹۸؛ انگلیسی، ص ۴۴
۱۷	تزغو (Tūzgū)	Present	پیشکش خوراکی	فارسی، ج ۱، ص ۱۷۰؛ انگلیسی، ص ۱۰۲ پاورقی
۱۸	تکشمیشی (Tekšmīšī)	The Honour of Making Presents	به نزد خان بار یافتن و برای او هدیه بردن	فارسی، ج ۲، ص ۲۵۳؛ انگلیسی، ص ۵۱۵
۱۹	جانوردار (Jānvar-Dār)	Keepers of Animals	مسئول نگهداری و اداره حیوانات دربار و لشکر	فارسی، ج ۱، ص ۱۷۶؛ انگلیسی، ص ۱۳
۲۰	خَشَر (Ḥašar)	Serve in the Levy	خدمت اجباری سپاه بی‌نظمی که از میان رعایا گردآوری می‌شد.	فارسی، ج ۱، ص ۶۶؛ انگلیسی، ص ۸۵

۲۱	خشم (Hašam)	Men of the Army/ Mongol Army	لشکر	فارسی، ج ۲، ص ۲۸؛ انگلیسی، ص ۳۸۲/۴۵۴
۲۲	دیوان انشاء (Dīvān-E) (Enšā')	Office of Scribe	دیوان رسایل	فارسی، ج ۱، مقدمه ص ۲۸؛ انگلیسی، ص ۲۸۳
۲۳	دفتر عرض (Dīvān-E) (Enšā')	The Registry of Inspection	اداره امور لشکریان	فارسی، ج ۱، ص ۲۳؛ انگلیسی، ص ۳۱
۲۴	سیورغامیشی (Sīurgāmišī)	Obtained The Royal Good Will	نوازش، مرحمت و بخشش، هدیه، احسان	فارسی، ج ۲، ص ۶؛ انگلیسی، ص ۷۶
۲۵	طشت‌دار (Tašt-Dār)	The Superintendent of the Royal Washing Utensil	نگهبان و متصدی طشت‌خانه	فارسی، ج ۲، ص ۲؛ انگلیسی، ص ۲۷۸
۲۶	عرض‌گه (arż-Gāh)	Mustering of Army	میدان شمار کردن سپاه و سان	فارسی، ج ۱، ص ۲۲-۲۳؛ انگلیسی، ص ۳۱
۲۷	کوتوال (Kotvāl)	Governor of the Castle/ Governor of the Fortress	فرمانده قلعه/ حاکم اندرون شهر	فارسی، ج ۱، ص ۱۳۲؛ انگلیسی، ص ۱۶۸/۳۱۸
۲۸	مؤن (Mo'n)	Compulsory Service	خدمت اجباری به حکومت	فارسی، ج ۱، ص ۷۵؛ انگلیسی، ص ۹۷
۲۹	نزل (Nozl)	Offerings of Food	خوراکی پیشکش	فارسی، ج ۱، ص ۷۹؛ انگلیسی، ص ۱۰۲
۳۰	یارغو (Yārgū)	Court of Criminal Investigation	شکایت، نزاع، دعوا / جلسه بازپرسی	فارسی، ج ۲، ص ۲۴۱؛ انگلیسی، ص ۵۰
۳۱	یاسانامه بزرگ (Yāsā-Nāma-Ye) (Bozorg)	Great Book of Yasa	کتاب قانون، دفتری که در آن قوانین را گردآوری کرده بودند.	فارسی، ج ۱، ص ۱۷؛ انگلیسی، ص ۲۵

این سپاه از واژه‌های ترجمه‌شده به صورت عبارت و توصیف واژگان، نشان‌دهنده این است که نویسنده در یافتن معادل تاریخی دقیق، با دشواری روبرو شده و چاره را تنها در توصیف آن‌ها به شکل مجموعه‌ای از واژه‌ها دیده‌است. این شیوه تنها به قابلیت زبان انگلیسی و فارسی مربوط نمی‌شود، بلکه نشان‌دهنده پیچیدگی این واژگان و مفاهیم و کارکردهای پیرامون این واژه‌ها نیز تواند بود. برای نمونه واژه «یارغو» که از نهادهای عالی قضایی و آغازین امپراتوری مغول بود (Lambton, 2002: 284) را نمی‌توان تنها با واژه «Court» توضیح داد. از این رو بویل ترجیح داده‌است تا عبارتی که بتواند ویژگی این‌گونه دادگاه عالی را نشان دهد، به واژه اخیر بیفزاید و آن را «دادگاه تحقیقات جنایی» ترجمه کند. البته از میان این واژگان، برای برخی نیز از شیوه ترانویسی و ترجمه توصیفی بهره برده که از جمله می‌توان به «یاسانامه بزرگ» و «الغ بیتکچی» اشاره کرد.

در خصوص واژه‌ای چون «دفتر عرض» نیز باید گفت که تعبیر مترجم برای آن یعنی «The Registry of Inspection» گمراه‌کننده است. درحالی‌که واژه «دفتر» در تاریخ ایران از روزگار باستان تا دوره قاجاریه به کار رفته‌است، هم به معنای اداره حکومتی تعبیر می‌شده‌است (Rajabzadeh, 1993: 563). در ترجمه جهانگشای جوینی واژه «دفتر» به معنای اوراق به‌هم‌پیوسته برای ثبت اطلاعات، در نظر گرفته شده و به‌صورت تحت‌اللفظی ترجمه شده‌است. درحالی‌که از سیاق متن جهانگشای جوینی، معنای دیگری در نظر بوده و چنین پیداست که معنای «دفتر» در اینجا اداره یا «دیوان» مربوط به «عرض» یا دیوان لشکر است: «عرض‌گه و شمار لشکر را وضعی ساخته‌اند که دفتر عرض را بدان منسوخ کرده‌اند و اصحاب و نوآب آن را معزول تمامت خلاق را ده ده کرده و از هر ده، یک نفس را امیر نه دیگر کرده و از میان ده امیر، یک کس را امیر صد نام نهاده و تمامت صد را در زیر فرمان او کرده» (جوینی، ۱۳۸۵: ۱/۲۳-۲۲).

در این بخش دوباره واژه «مؤن» در جدول دیده می‌شود که در بخش «معادل تاریخی» نیز به کار رفته بود و معادل همکاری و نوعی عوارض تعریف شده‌است، اما مترجم با توجه به اقتضای متن ترجیح داده‌است که این واژه را در بخش دیگر کتاب با ترکیب عبارتی چون «خدمت اجباری» ترجمه کند. این اصطلاح می‌تواند با «بیگاری» هم‌معنی باشد.

جدول ۳. ترانویسی یا نویسه‌گردانی				
شماره	اصطلاح فارسی	نویسه‌گردانی به انگلیسی	معنی واژه	ارجاع
۱	اتابک (Atābak)	Atabeg	پدر بزرگ و مربی اولاد سلاطین	فارسی، ج ۱، ص ۲۱۹؛ انگلیسی، ص ۱۴۸
۲	اردو (Ordū)	Ordu	چادر خان، مرکز و مقر فرماندهی و فرمانروایی مغول	فارسی، ج ۱، ص ۱۹؛ انگلیسی، ص ۲۷
۳	الغ نوین (Uluḡ Noyān)	Ulugh-Noyan	امیر بزرگ، بنا بر یاسا پسر کوچک‌تر از خاتون بزرگ را می‌گفتند و رسیدگی به یورت‌ها و لشکر به عهده او بود.	فارسی، ج ۱، ص ۱۴۶؛ انگلیسی، ص ۱۵۰
۴	ایلخان (Īl-Kān)	Il-Khan	عنوان فرمانروای قسمتی از امپراتوری مغول به‌استثنای خان‌های بزرگ	فارسی، ج ۱، ص ۶۲ مقدمه؛ انگلیسی، ص ۶۳۲

۵	ایلک (Īlik)	Ilig	دارنده سرزمین و پادشاه	فارسی، ج ۲، ص ۸۸؛ انگلیسی، ص ۳۵۵
۶	باسقاق (Bāsqaq)	Basqaq	شحنه، حاکم نظامی	فارسی، ج ۱، ص ۸۲؛ انگلیسی، ص ۱۰۵
۷	بهادر (Bāhādor)	Bahadur	مبارز و دلاور، بهادران در جنگ پیش‌قراولان می‌شدند.	فارسی، ج ۱، ص ۳۱؛ انگلیسی، ص ۹۹
۸	پرپره (Pārpāra)	Parpara	پول سیاه، دینار، زر مسکوک	فارسی، ج ۳، ص ۲۴۵؛ انگلیسی، ص ۷۰۱
۹	پایزه (Pāyza)	Paiza	لوحه‌ای بوده از زر یا نقره و گاهی اوقات از چوب	فارسی، ج ۱، ص ۲۱۱؛ انگلیسی، ص ۱۵۸
۱۰	ترخان (Tarḵān)	Tarkhan	آزاد، کسی که از همه تکالیف دیوانی معاف بود و هرگاه اراده می‌کرد می‌توانست بدون اجازه نزد خان برود.	فارسی، ج ۱، ص ۲۷؛ انگلیسی، ص ۳۸-۳۷
۱۱	تمنا (Tamgā)	Tamghā	مالیاتی که از همه نوع کسب‌وکار گرفته می‌شد.	فارسی، ج ۳، ص ۲۶۸؛ انگلیسی، ص ۷۱۸
۱۲	چربی (Čarbī)	Cherbi	متصدی امور دربار، مهمان‌دار	فارسی، ج ۲، ص ۲۱۱؛ انگلیسی، ص ۴۷۷-۴۷۶
۱۳	چریک (Čerīk)	Cherig	صف و رده سپاه لشکر و سپاه	فارسی، ج ۲، ص ۷۵؛ انگلیسی، ص ۹۷
۱۴	خان (Ḳān)	Khan	قآن، خاقان، فرمانروا	فارسی، ج ۲، ص ۱۴؛ انگلیسی، ص ۲۴۰
۱۵	دارالخلافه (Dār) (Al-Ḳelāfa)	Caliphate	لغت مشهور (مترجم در مورد ارجاع شده ظرافت زبانی را رعایت نکرده‌است).	فارسی، ج ۲، ص ۴۳؛ انگلیسی، ص ۳۰۴
۱۶	دیوان (Dīvān)	Divan	وزارتخانه، اداره، دفتر حساب	فارسی، ج ۲، ص ۷۰؛ انگلیسی، ص ۲۸۳
۱۷	دینار رکنی (Dīnār-E) (Rokni)	Rukni Dinars	سکه طلا منسوب به رکن‌الدین دیلمی	فارسی، ج ۲، ص ۲۵۶؛ انگلیسی، ص ۵۱۹
۱۸	شحنه (Šehna)	Shahna	مراقب، محافظ، مراقب لشکر، مراقب اردوی خان، مراقب شهر و حاکم نظامی شهر (باسقاق)	فارسی، ج ۲، ص ۱۲۲؛ انگلیسی، ص ۴۴
۱۹	طغرا (Toḡrā)	Toghra	خطی قوسی‌شکل که در فرمان‌ها و منشورها به شکل هنری می‌کشیدند. امضای پادشاه	فارسی، ج ۲، ص ۸۱؛ انگلیسی، ص ۱۵۴
۲۰	قآن (Qā'an)	Qa'an	خان بزرگ، شاه شاهان، لقب پادشاهان مغول	فارسی، ج ۲، ص ۲۰۱؛ انگلیسی، ص ۹۴

۲۱	قنطار (Qentār)	Qintars	واحد وزن، معادل صد و بیست رطل	فارسی، ج ۱، ص ۶۱؛ انگلیسی، ص ۸۰
۲۲	قواد (Qavvād)	Quvvad	قائد، سرهنگ فوج، امیر لشکر	فارسی، ج ۱، ص ۸۳؛ انگلیسی، ص ۳۸۰
۲۳	قوبچور (Qūbčūr)	Qupchur	مالیات بر مال / مالیات گله، از هر صد سر چهارپای، یک سر را به نام قیچور می‌گرفتند.	فارسی، ج ۱، ص ۲۲؛ انگلیسی، ص ۳۰
۲۴	قورچیان (Qūrčī)	Qorchi	کسی که تیردان را حمل می‌کند. تیرانداز / سلاح‌دار و شمشیردار	فارسی، ج ۱، ص ۱۷۵؛ انگلیسی، ص ۲۱۹
۲۵	قوریلنای (Qūriltāy)	Quriltai	شورای عالی امرای مغول، اجتماع بزرگ مشورتی مغولان	فارسی، ج ۱، ص ۱۵۴؛ انگلیسی، ص ۴۲
۲۶	کبتول (Kabtūl)	Kebteüls	حافظ قلعه	فارسی، ج ۱، ص ۲۲۸؛ انگلیسی، ص ۲۷۳
۲۷	ملک (Malek)	Malik	حکمران ولایت که باج‌گذار پادشاه مستقل باشد ولی حکومت او ارثی باشد.	فارسی، ج ۲، ص ۱۸ مقدمه؛ انگلیسی، ص ۳۴۸
۲۸	نرگه (Narga)	Nerge	جرگه یا دایره و حلقه راننده شکار؛ در ارتش آرایش دایره‌ای برای محاصره دشمن	فارسی، ج ۳، ص ۵۱؛ انگلیسی، ص ۶۱۳
۲۹	نقیب (Naqīb)	Naqīb	مهتر قوم، سالار	فارسی، ج ۳، ص ۲۸۹؛ انگلیسی، ص ۱۵۴
۳۰	نویان (Noyān)	Noyans	فرمانده سپاه / امیر ده‌هزاره	فارسی، ج ۱، ص ۳۱؛ انگلیسی، ص ۲۸
۳۱	وزارت (Vezārat)	Vizierate	منصب مشهور	فارسی، ج ۱، ص ۱۱۹؛ انگلیسی، ص ۱۵۳
۳۲	یارغوچی (Yārgūčī)	Yarghuchi	قاضی در محکمه مغولی، بازپرس	فارسی، ج ۳، ص ۵۲؛ انگلیسی، ص ۵۹۰
۳۳	یاسا (Yāsā)	Yasa	قاعده، قانون، سیاست / قانون چنگیزی	فارسی، ج ۱، ص ۱۱؛ انگلیسی، ص ۳۰
۳۴	یرلیغ (Yārliḡ)	Yarligh	فرمان پادشاه، فرمان مکتوب پادشاه	فارسی، ج ۱، ص ۱۱۴؛ انگلیسی، ص ۱۴۵
۳۵	یولدوزچی (Yūldūzčī)	Yulduzchi	منجم دربار	فارسی، ج ۲، ص ۱۶۷؛ انگلیسی، ص ۴۳۵
۳۶	یلواج (Yalāvāj)	Yalavach	پیام‌رسان سیاسی میان دو فرمانروا، سفیر، رسول و پیام‌بر	فارسی، ج ۱، ص ۷۵؛ انگلیسی، ص ۱۰۸
۳۷	یورت (Yūrt)	Yurt	چراگاه، تیول یک شاهزاده، چادر سرزمین	فارسی، ج ۱، ص ۳۱؛ انگلیسی، ص ۴۲

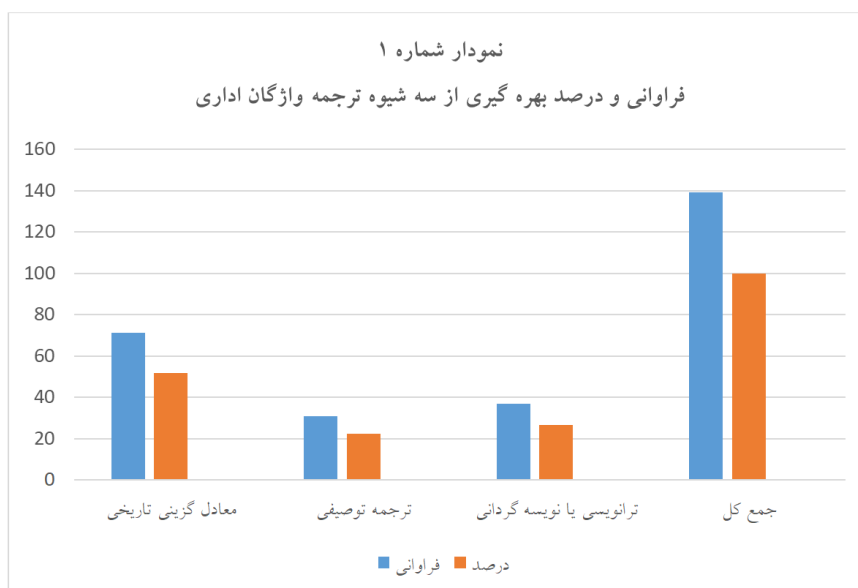
اما در این بخش، مترجم شیوه ترانویسی یا نویسه‌گردانی را برای واژه‌های معروف در زبان انگلیسی چون «وزارت»، «دیوان»، «یاسا»، «خان»، «ایلخان» و «خلیفه» به کار برده‌است و برخی دیگر در متن جهان‌نگشای جوینی معنی روشنی داشته‌است. برای نمونه واژه‌ای مانند «خلافت»، به‌عنوان مفهوم سیاسی منحصر به فردی در جهان اسلام که قابل‌مقایسه با نظام‌های سیاسی دیگر نیست را درست مانند نام اشخاص تنها می‌توان به‌صورت نویسه‌گردانی در ترجمه زبان انگلیسی متن مذکور آورد. البته در این مورد جوینی «دارالخلافت» را به‌کنایه آورده‌است و مترجم اگرچه در ترجمه اشتباهی نکرده اما جانب رعایت آن ظرافت زبانی جوینی را نیز نداشته و سخن را مستقیماً به خود خلیفه منسوب کرده‌است.

از سوی دیگر در باب برخی واژگان که صرفاً به نویسه‌گردانی آن‌ها بسنده شده، به شیوه‌ای در متن درباره آن‌ها توضیحی داده شده‌است. برای نمونه برای واژه «باسقاق» به‌صورت حواشی متن، شرحی داده شده و معادل واژه «شحنه» و «داروغه» دانسته شده‌است (Boyle, 1958, 105). این وضع درباره «قوبچور»، (متن انگلیسی، ص ۳۰ یادداشت ۱۲)، «قورچی» (متن انگلیسی، ص ۲۱۹، یادداشت ۳۸) و «چریک» (متن انگلیسی، ص ۹۷ یادداشت ۴) نیز به همان صورت مصداق دارد. واژه «چربی» نیز در اصل در پسوند نام یکی از فرماندهان مغول آمده‌است و توضیح و معناکاوای از این اصطلاح در یادداشت ذیل همان صفحه ارجاع شده درج گردیده‌است (متن انگلیسی، ص ۴۷۶ یادداشت ۲). دیگر واژه یارغوچی که پیشتر در ذیل واژه «یارغو» از آن معناکاوای شده و یا واژه «ترخان» که در همان متن، معنای آن توسط جوینی توضیح داده شده‌است: «و آن دو کودک را ترخان کرد و ترخان آن بود که از همه مئونات معاف بود و در هر لشکر که باشد هر غنیمت که یابند ایشان را مسلم باشد و هرگاه که خواهند در بارگاه بی‌اذن و دستوری درآیند و ایشان را لشکر و مرد داد و از چهارپای و اولاق و تجملات چندانک در حد و حصر نیاید» (جوینی، ۱۳۸۵: ۲۷ / ۱). این مورد را می‌توان درباره واژه «یورت» هم مشاهده کرد (جوینی، ۱۳۸۵: ۳۱ / ۱). معنای واژه‌هایی چون «قوریلتای» نیز از فحوا و سیاق جمله قابل‌درک است: «تمامت پسران به خدمت پدر مجتمع شدند و قوریلتای ساختند» (جوینی، ۱۳۸۵: ۱ / ۱۱۱). می‌توان گفت به‌احتمال زیاد از نظر بویل، نویسه‌گردانی واژگان اداری به‌صورت مذکور، در بیشتر موارد به دلیل روشن بودن معنای جمله برای خوانندگان متخصص بوده‌است.

واگذاری اصطلاحاتی کلیدی مانند «Yasa» (قانون) و «Quriltai» (شورا) به قلمرو نویسه‌گردانی، در چارچوب رویکرد باسنت و لفور، نیز می‌تواند نشان‌دهنده تلاش برای حفظ هویت متمایز و «دیگری» فرهنگ مغولی باشد. این انتخاب، آگاهانه یا ناخودآگاه، خواننده را با «غیریت» روبه‌رو می‌سازد و از ادغام این مفاهیم در نظام معرفتی غربی جلوگیری می‌کند.

جدول ۴. فراوانی و درصد بهره‌گیری از سه شیوه ترجمه واژگان اداری

ردیف	نوع پدیداری واژه اداری در ترجمه بویل	فراوانی	درصد
۱	معادل‌گزینی تاریخی	۷۱	۵۱/۷۱
۲	ترجمه توصیفی	۳۱	۲۲/۳۰
۳	ترانویسی یا نویسه‌گردانی	۳۷	۲۶/۶۱
	جمع کل	۱۳۹	۱۰۰



نمودار ۱. فراوانی و درصد بهره‌گیری از سه شیوه ترجمه واژگان اداری

نتیجه

دست‌آورد این پژوهش نشان می‌دهد که از مجموع ۱۳۹ واژه اداری شناسایی شده در تاریخ جهانگشای جوینی، مترجم انگلیسی این اثر، سه شیوه متمایز «معادل‌گزینی تاریخی»، «ترجمه توصیفی» و «ترانوئسی» یا «نویسه‌گردانی واژگان»، برای ترجمه آن واژگان به کار گرفته‌است. در دو شیوه نخست، مترجم تلاش کرده‌است تا از ظرفیت زبان انگلیسی تا حد ممکن برای ترجمه واژگان بهره‌برداری کند و درعین حال حاصل کار وی نشان‌دهنده مهارت و شناخت او از زبان مبدأ و مقصد ترجمه است، اما زبان مبدأ فقط فارسی نیست بلکه از آنجاکه جهانگشای جوینی سرشار از واژگان عربی، ترکی و مغولی است، کار ترجمه حتی به مراتب دشوارتر نیز بوده‌است. مضاف بر اینکه واژگان اداری ایران، در طول زمان و دوره‌های مختلف، در حال دگرگونی بوده و از این رو مترجم ناچار بوده تا هم‌زمان که ریشه واژگان را در فارسی، عربی، ترکی و مغول شناسایی می‌کند، منظور جوینی را نیز در عبارتهای ذکرشده، درک کند.

از نظر کمی، بیشتر واژگان اداری شناخته‌شده این پژوهش در متن جهانگشای جوینی، یا به صورت ترجمه «معادل تاریخی»، از زبان انگلیسی معادلی برای آن‌ها برگزیده شده (۵۰/۷۱ درصد) و یا به صورت «ترجمه توصیفی» در اختیار خواننده قرار داده شده‌است (۲۲/۲۳ درصد). البته بخشی از دو دسته واژگان اداری یادشده در برخی موارد توأم با نویسه‌گردانی و ترانوئسی بوده‌است. با این حال، حدود ۳۷/۱۴ درصد از این واژه‌ها تنها به صورت نویسه‌گردانی یا ترانوئسی در متن ترجمه انگلیسی آمده‌است. به عبارت دیگر این واژگان همانند نام‌های خاص مورد توجه مترجم قرار گرفته‌اند. در این بخش یا واژه‌های اداری، از شهرت و آوازه زیادی برخوردار بوده‌است، همانند خلافت، خان، وزارت، ملک و از این رو مترجم نیازی به ترجمه آن‌ها ندیده که آن واژه‌ها در زبان انگلیسی جا افتاده‌است و یا اینکه در متن به شیوه‌ای توسط نویسنده، جوینی، توضیح داده شده مانند «ترخان»، «قوریلنتای» و یا اینکه مانند «باسقاق»، «قورچی» و «قوبچور» در حواشی و توضیحات پانویس مترجم از آن معناکوی شده‌است.

بررسی کمی و کیفی شیوه‌های ترجمه بویل، علاوه بر روشن کردن سازوکارهای فنی کار وی، این امکان را فراهم می‌آورد تا به پیامدهای فرهنگی و معرفتی این انتخاب‌ها و تصویری که از دیوان‌سالاری مغول برای خواننده می‌سازند، پرداخته شود. انتخاب‌های ترجمه‌ای بویل، فراتر از حل یک چالش زبانی، دارای پیامدهای فرهنگی و معرفتی است که تصویر خاصی از دیوان‌سالاری مغول را برای خواننده انگلیسی‌زبان می‌سازد. هنگامی که وی برای اصطلاحی چون «حاجب» معادل تاریخی «Chamberlain» را برمی‌گزیند، ناخواسته خواننده را به سمت قیاس این مقام با درباریان اروپای قرون وسطایی سوق می‌دهد و در نتیجه، ماهیت ویژه و بافت قدرت در دربار ایلخانی را تا حدی در چارچوب آشنای غربی مستحیل می‌سازد. در مقابل، تصمیم به نویسه‌گردانی واژگانی چون «یاسا»، «قوریلتای» و «ایلخان» و توضیح آن‌ها در پانویس، بر «تفاوت» بنیادین و هویت مجزای نهادهای سیاسی-اداری امپراتوری مغول تأکید می‌ورزد و آن را به مثابه نظامی مستقل و نیازمند مطالعه خاص معرفی می‌کند. این دوگانگی در روش (معادل‌سازی تاریخی در مقابل حفظ اصطلاحات به شکل اصلی) در واقع بازتاب همان آشفتگی و پیچیدگی ذاتی خود دستگاه اداری دوره مغول است که در اثر جوینی نیز مشهود است؛ نوعی دیوان‌سالاری که تلفیقی از سنت‌های ایرانی، اسلامی، ترکی و مغولی بود. بنابراین، ترجمه بویل، از رهگذر همین انتخاب‌ها، نه تنها یک متن که یک تفسیر را نیز در اختیار پژوهشگر غربی قرار می‌دهد و برداشت او را از کارکرد، یکپارچگی و حتی مشروعیت نظام اداری مغول به شیوه‌ای نامحسوس شکل می‌بخشد.

روی هم رفته، ترجمه جهانگشای جوینی مفید، قابل اعتماد و هدایت‌گر است. به ویژه اینکه مترجم، متن فاخر و پیچیده جوینی را به انگلیسی روان ترجمه کرده است. با این حال این پژوهش محدود واژگانی را یافته است که آن دقت علمی رعایت شده در ترجمه کل کتاب را ندارد و چه بسا برای پژوهشگری که از طریق زبان انگلیسی جهانگشای را مطالعه می‌کند، گمراه‌کننده باشد. در میان موارد یافت شده، دو مورد مهم‌تر است. یکی از آن‌ها، به کار بردن معنای «دفتر ثبت لشکر» برای «دفتر عرض» است که با توجه به متن جهانگشای به معنای «اداره عرض» یا «دیوان عرض» بوده است و دیگری واژه «جمل» است که مترجم،

آن را «بار و بنه» در نظر گرفته‌است، درحالی‌که این معنای ظاهری واژه است و در متن و فضای تاریخی مورد اشاره، به معنای نوعی عوارض و مالیات تلقی شده‌است.

سرانجام باید اذعان کرد که با تطبیق انتخاب‌های بویل بر چهارچوب نظری تلفیقی این مقاله، روشن شده‌است که ترجمه وی در تقاطعی میان ضرورت ارتباطی (به تعبیر نیومارک) و ملاحظات ایدئولوژیک حاکم بر بازنمایی «شرق» (به تعبیر باسنت و لفور) شکل گرفته‌است. این تحلیل نشان می‌دهد که ترجمه بویل، فراتر از یک متن کمکی، خود یک سند تاریخ فرهنگی است که هم بازتاب‌دهنده پیچیدگی دیوان‌سالاری مغول و هم بازتاب‌دهنده پارادایم‌های حاکم بر مطالعات شرق‌شناسانه در زمانه اوست.

منابع

الف) منابع فارسی

کتاب‌ها

- ثروت، منصور (۱۳۶۲)، *تحریر نوین از تاریخ جهانگشای عظاملک جوینی*، تهران: امیرکبیر.
- جوینی، عظاملک (۱۳۸۵)، *تسلية الاخوان*، به تصحیح عباس ماهیار، تهران: آباد.
- جوینی، عظاملک (۱۳۸۵)، *تاریخ جهانگشای جوینی*، به تصحیح محمد قزوینی، تهران: دنیای کتاب.
- خاتمی، احمد (۱۳۹۲)، *گزیده تاریخ جهانگشای جوینی با انتخاب و شرح*، تهران: علم.
- خاتمی، احمد (۱۳۷۳)، *شرح مشکلات تاریخ جهانگشای جوینی*، تهران: پایا.
- شریک امین، شمیسی (۱۳۵۷)، *فرهنگ اصطلاحات دیوانی دوران مغول*، تهران: فرهنگستان ادب و هنر ایران.

مقالات

- فرمانفرمایان، حافظ (۱۳۳۷)، نقد کتاب *تاریخ جهانگشای جوینی*، *دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*، ۱(۲۱)، ۹۱-۸۳.
- موسوی، مصطفی (۱۳۸۴)، واژگان ترکی و مغولی *تاریخ جهانگشای جوینی*، *آیین میراث*، ۳-۴ (۳۰-۳۱)، ۵۷-۸۹.

دانشنامه

- بیلگین، اورهان (۱۳۹۳)، جان بویل، *دانشنامه جهان اسلام*، ج ۴، تهران: بنیاد دائرةالمعارف، ۶۳۸-۶۳۸.
- جلیلی، علی (۱۳۹۹)، سلاحدار، *دانشنامه جهان اسلام*، ج ۲۴، تهران: بنیاد دائرةالمعارف، ۸۷-۸۶.

– ربیعی، منیژه (۱۳۹۳)، تاریخ جهان‌گشای، *دانشنامه جهان اسلام*، تهران: بنیاد دائرةالمعارف، ج ۶ صص ۲۱۷-۲۱۵.

موسوی، مصطفی (۱۳۹۸)، *تاریخ جهانگشای جوینی، دائرةالمعارف بزرگ اسلامی*، ج ۱۴، نسخه آنلاین در نشانی: <https://www.cgie.org.ir/fa/article/225390> (تاریخ دسترسی ۳۱ تیر ۱۴۰۴)

ب) منابع انگلیسی

Books

- Bassnett, S., & Lefevere, A. (1998). *Constructing Cultures: Essays on Literary Translation*, Bristol: Multilingual Matters.
- Newmark, P. (1988). *A Textbook of Translation*, London: Prentice Hall International.
- Juvaini, Ata Malik, (1958). *The History of the World Conqueror by Ata Malik Juvaini*, Translated by John Andrew Boyle, Cambridge: Harvard University Press. (1 Vol.)
- Juvaini, Ata Malik, (1997). *Genghis Khan: The History of the World-Conqueror*, Translated by John Andrew Boyle, Introduction by David O. Morgan, Cambridge: Harvard University Press.

Articles

- Blachère, R. (1959). Review: The History of the World-Conqueror by 'Atā-Malik Juvaini, John Andrew Boyle, *Arabica*, T. 1(6), 103-104.
- Bruun, G. (1958, September 28). "When Mongols Ruled; The History of the World-Conqueror". *The New York Times*, BR22.
- Darling, T. Linda (2000). Review: Genghis Khan: The History of the World Conqueror; Bookreview, *Middle East Studies Association Bulletin*, (34), 153.
- Jahn, K (1959). Review: The History of the World-Conqueror by 'Ala-ad-Din'Ata-Malik Juvaini, John Andrew Boyle, *Central Asiatic Journal*, 1(5), 77-78.

- Ostrowski, Donald (1998). The Tamma and the Dual-Administrative Structure of the Mongol Empire, *Bulletin of the School of Oriental and African Studies*, 2(61), 262-277.
- Spies, Otto (1959). Review: The History of the World-Conqueror, *Die Welt des Islams*, 1/2(6), 152-153
- Togan, Zeki Velidi (1962). Review: The History of the World-Conqueror by `Ala-Ad-Din, `Ata-Malik Juvaini, *Speculum*, 4(37), 618-619.

Encyclopedia

- Lambton, A.K.S (2002). Yarghu, *Encyclopædia of Islam*, Vol. XI, Leiden: Brill, 284-286.
- Lane, George (2012). JOVAYNI, 'ALĀ'-AL-DIN, *Encyclopædia Iranica*, Vol. XV Available Online at <http://www.iranicaonline.org/articles/jovayni-ala-al-din> (Accessed on 30 December 2012).
- Jackson, P (2016). Boyle, John Andrew, *Encyclopædia Iranica*, Vol. X, Available Online at <https://www.iranicaonline.org/articles/boyle-john-andrew-1916-78-british-orientalist/> (Accessed on December 7, 2016).
- Rajabzadeh, H (1993). Daftar, *Encyclopædia Iranica*, Vol. VI, Available Online at <https://www.iranicaonline.org/articles/daftar-mid/> (Accessed on August 10, 2018).